

پژوهش‌های زبانی و ادبیات کاربردی، دانشگاه ولایت ایرانشهر  
دوفصل‌نامه تخصصی، سال نخست، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱، صص ۱۷۳-۲۰۶

## توصیف و بررسی گوناگونی‌های واژگانی و آوایی گویش‌های جزیره قشم

محمدهادی فلاحی\*

سعیده اسدی\*\*

### چکیده

در این پژوهش، بخش واژگانی و آوایی گویش‌های ۶۰ شهر و روستای جزیره قشم مورد بررسی قرار گرفته‌است. جزیره قشم به دلیل وضعیت جغرافیایی و داشتن گویش‌های متعدد، نمونه مطلوبی برای پژوهش‌های گویشی است. روش تحقیق در پژوهش حاضر، ترکیبی از روش‌های میدانی و توصیفی بود و مواد زبانی با روش گردآوری هدایت‌شده، جمع‌آوری شدند که در این روش، پژوهشگران با ابزاری از پیش تعیین‌شده، پرسش‌نامه، وارد میدان شده و معادل‌های گویشی مورد نظر را از طریق انجام مصاحبه با گویشوران استخراج کرده‌اند. پرسش‌نامه بر اساس طرح ملی اطلس زبانی ایران بوده که شامل ۱۰۵ واژه و عبارت و ۳۶ جمله است (در این پژوهش، تنها از بخش واژه‌ها استفاده شده است). نتایج این پژوهش نشان داد که گویش‌های این جزیره تأثیر قابل توجهی از فارسی معیار نگرفته‌اند و گوناگونی واژگانی بالا است؛ به گونه‌ای که برخی از واژه‌های به کار رفته تا ۱۰ معادل کاربردی دارند. فرآیندهای آوایی نیز فراوانی بالایی داشتند.

**واژه‌های کلیدی:** اطلس زبانی، جزیره قشم، فرآیندهای آوایی، گوناگونی واژگانی، گویش‌شناسی

---

\* استادیار گروه زبان‌شناسی رایانه‌ای، مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری، شیراز، ایران، (نویسنده مسئول)  
fallahi@ricest.ac.ir

\*\* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات فارس، شیراز، ایران  
sa\_assady@yahoo.com

## ۱. مقدمه

جغرافیای گویشی به دنبال فراهم آوردن پایه‌های تجربی برای نتایج به دست آمده از گوناگونی‌های زبانی است که در یک منطقه خاص ظاهر می‌شود. مدرسی (۱۳۸۷) یکی از مهم‌ترین و شناخته‌ترین عواملی را که در ایجاد تنوعات و تفاوت‌های زبانی دخالت دارند، عامل جغرافیایی یا مکانی می‌داند. به عبارت دیگر، گویندگان بومی یک زبان برحسب منطقه جغرافیایی که در آن به دنیا آمده و رشد کرده‌اند، ممکن است ویژگی‌های زبانی متفاوتی داشته باشند. از این رو در یک دسته‌بندی کمی می‌توان گونه‌های فردی را در گونه‌های جغرافیایی معینی جای داد که اصطلاحاً گویش‌های جغرافیایی یا منطقه‌ای نامیده می‌شوند.

«با از دست رفتن یک زبان، سخن‌گویان آن، از زبان موجود دیگری برای رفع نیازهای کلامی خود استفاده می‌کنند. برخی نیز این‌گونه توجیه می‌کنند که انسان همیشه به دنبال بهترین انتخاب است اما زبان‌شناسان دلایل متعددی را برای ضرورت حفظ زبان عنوان می‌کنند» (سامارین، ۱۳۸۷: ۱۸). گویش‌ها رو به زوال و نابودی هستند، از آنجا که حفظ و ثبت گویش‌ها در زمره میراث فرهنگی است، تهیه اطلس‌ها اهمیت دو چندان می‌یابد. بررسی‌های انجام شده بر روی گویش‌های ایرانی حاکی از آن است که فارسی در آن‌ها نفوذ داشته‌است و این موضوع، اهمیت گردآوری هرچه سریع‌تر تنوعات گویشی را نشان می‌دهد. انجام چنین تحقیقی به دلایلی ضرورت می‌یابد؛ از جمله کمک به حفظ گویش‌های مردم جزیره قشم، تلاش در مشخص کردن زبان عمومی مردم جزیره و نیز تفاوت‌ها و شباهت‌های زبانی در میان مردمان این بخش از سرزمین ایران.

شهرستان قشم شامل چهار جزیره قشم، هنگام، لارک و هرمز است که با مساحت ۱۴۹۱ کیلومتر مربع در تنگه هرمز و در مدخل خلیج فارس واقع شده‌است. شهرستان قشم دارای سه بخش شهاب، مرکزی و حرا است که بخش شهاب را دو دهستان سوزا و هنگام و بخش حرا را دو دهستان دولاب و سلخ تشکیل می‌دهند. بخش مرکزی نیز از دو دهستان حومه و رَمکان تشکیل می‌شود. نام آبادی‌ها، تلفظ آنها و نشان اختصاری آن‌ها در جدول ۳-۱ آمده است.

جمعیت شهرستان قشم بر اساس سرشماری عمومی نفوس مسکن در سال ۱۳۹۵ برابر با ۱۴۸۹۹۳ نفر بوده‌است. دین مردم قشم، اسلام و اغلب سنی مذهب هستند.

جزیره قشم از روزگار باستان به نام‌های بُرخت، آرااکتا، آرااکتا، کاوان، ابرکاوان، ابرکمان، ابرکافان، بنی کاوان، ابن کاوان، کیش، قیس، طویله (دراز)، لافت، لار، باسعیدو (باسعدو)، کِسَم، کِشَم، جاسک، خاسک، قاسمی، جِسَم و قشم سرشناس بوده‌است (افشارسیستانی، ۱۳۷۸: ۴۸۰). در کتاب *حدود العالم من المشرق الی المغرب* آمده‌است: «جزیره لافت (قشم) در برابر پارس قرار دارد، دارای شهر خرمی است، نعمت فراوان و آب خوشگوار در آنجا وجود دارد و بازرگانان همه جهان نیز بدانجا روند». از دوره صفوی به این سو از این جزیره با نام «قشم» یا به گویش ساحل‌نشینان، «کشَم» در منابع جغرافیایی و تاریخی

یاد کرده‌اند. به نوشته هکاتیوس<sup>۱</sup> جغرافی‌دان، یونانی‌ها از ۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح از وجود آب‌راه استراتژیک خلیج فارس آگاه بوده و نقش مهم آن را در حمل‌ونقل نظامی و بازرگانی دریافته‌بودند. در سال ۳۲۴ پیش از میلاد، دریادار یونانی، نثارک به فرمان اسکندر مقدونی با ناوگان دریایی خود از رود سند حرکت کرد و از دهانه هرمز گذشت و تا مصب اروندرود و اهواز پیش رفت (فرهنگ آبادی‌های استان هرمزگان - شهرستان قشم، ۱۳۸۳: ۳۳).

آثار تاریخی و مذهبی شهرستان قشم عبارتند از: قلعه پرتغالی‌ها، برکه بی‌بی، چاه‌های آب قدیمی در اطراف قلعه لافت، مسجد و آرامگاه شیخ برخ (روستای کوشه)، مسجد و مدرسه کمالیه (روستای بند حاج‌علی)، مسجد جامع قشم و قبرستان انگلیسی.

پرسش‌های این پژوهش عبارتند از:

- ۱) با توجه به تجزیه و تحلیل فراوانی و پراکندگی واژگانی، چه نتایج حاصل می‌شود؟
- ۲) با توجه به فرآیندهای آوایی رخ داده در گویش‌های موردنظر، چه نتایج حاصل می‌شود؟



نقشه ۱. موقعیت جزیره قشم در خلیج فارس

## ۲. پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش درباره گویش‌های جزیره قشم و به طور کلی گویش‌شناسی از قرار زیر است و به سه بخش تقسیم می‌شود:

**۱.۲. پژوهش‌های انجام‌شده با موضوع اطلس‌های زبانی و پراکندگی‌های واژگانی و آوایی**  
 طرح ملی «اطلس زبانی ایران» در اوایل دهه پنجاه، آغاز گردید. این طرح با جمع‌آوری ۱۴۰۰۰ نمونه گویش در ۱۷ استان آغاز گردید و تا سال ۱۳۵۶ به طور فعال ادامه یافت. این طرح در سال ۱۳۵۷ متوقف شد. در آغاز دهه ۸۰ مرحله جدید این طرح آغاز گردید. اطلس زبان ترکی در استان آذربایجان شرقی توسط رضاقلی فامیان (۱۳۸۹) تهیه شده‌است. الیاسی (۱۳۶۹) اطلس زبانی منطقه حدفاصل شهر تربت‌جام و شهر مشهد را تهیه کرد. بصیرت و رضاقلی فامیان (۱۳۹۰) به تهیه اطلس زبان گیلکی پرداختند. اطلس زبانی شهرستان درگز توسط مشهدی‌مقدم (۱۳۸۶)، اطلس گویش‌شناختی منطقه بیضاء توسط حسینی (۱۳۸۹)، بررسی اطلس زبانی ۱۰۰ صورت آوایی گویش علی‌میرزایی در ۲۰ منطقه شهرستان سرخس توسط پهلوان‌نژاد و شاهرودی (۱۳۸۹)، بررسی ۱۰۰ صورت زبانی شهرستان سمنان توسط حشمتی رضوی (۱۳۸۹)، اطلس گویش‌شناختی قصران داخل توسط دیهیم (۱۳۸۸)، اطلس شهرستان شمیران توسط محمودیان (۱۳۸۱) و ترسیم اطلس زبانی بخش پشت‌آب سیستان توسط ملائی قاسمی (۱۳۷۴) انجام شده است. کرد زعفرانلو کامبوزیا و رزم‌دیده (۱۳۹۲) نیز برخی از فرآیندهای واجی را در گویش‌های استان کرمان بررسی کرده‌اند.

## ۲.۲. پژوهش‌های انجام‌شده درباره گویش‌های استان هرمزگان و شهرستان قشم

عباسی دمشهری (۱۳۸۷) به بررسی زبان‌شناختی گویش مینابی پرداخته‌است. نیرومند (۱۳۹۰) دستور زبان گویش بستکی را مورد پژوهش قرار داده‌است. محبی بهمنی (۱۳۸۴) به بررسی و توصیف زبان‌شناختی گویش مینابی پرداخته‌است. این کتاب نخستین بررسی نظام‌مند گویش مینابی محسوب می‌شود. علی‌نژاد و رحیمی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای به توصیف برخی از مهم‌ترین فرآیندهای واجی گویش قشمی پرداخته‌اند. آنان قواعد همگونی، حذف و تضعیف را از پربسامدترین فرآیندهای این گویش برشمرده‌اند. احمدنیا (۱۳۹۰) در پژوهشی، گویش قشمی و ارتباط آن را با زبان فارسی میانه بررسی کرده است. همچنین می‌توان به چند پژوهش جدید که توسط پژوهشگران غیرایرانی بر روی گویش‌های جزیره قشم و مناطق اطراف آن انجام شده است نیز اشاره کرد: مقاله‌ای از آنونبی<sup>۱</sup> (۲۰۱۵) که نگاهی به گویش مردم این جزیره و ارتباط آن با گویش‌های نواحی مجاور داشته است. پژوهشگری روسی به نام گِراچو<sup>۲</sup> (۲۰۱۷) نیز به ساخت فعل در گویش جزیره قشم پرداخته است. بررسی دستور زبان کومزاری نیز

1. Anonby, E.

2. Grachev, M. S.

پژوهش جامعی است که در سال ۲۰۱۵ توسط آنونبی منتشر شده است. باربرا<sup>۱</sup> (۲۰۱۳) نیز گویش لارکی را مورد بررسی قرار داده است.

### ۳.۲. پژوهش‌های انجام گرفته درباره قشم و آداب و آیین‌های مردم

به‌عنوان قدیمی‌ترین اثر که در این زمینه تألیف شده است می‌توان به کتاب بندرعباس و خلیج فارس (*اعلام الناس فی احوال بندرعباس*) اشاره کرد که مؤلف آن محمدعلی سدیدالسلطنه (۱۳۶۳)، درباره تمامی شهرهای استان هرمزگان و به‌خصوص شهر قشم، اطلاعات جامعی از اوضاع زمان خویش ارائه داده است. دژگانی (۱۳۸۷) در کتاب *قشم نگینی بر خلیج فارس* به مسائل فرهنگی (نوع پوشش، معرفی انواع غذاها، گویش و ...) مردم جزیره قشم پرداخته است. سایبانی (۱۳۷۷) در کتابی با عنوان *ز بندر جبرون تا بندرعباس* به جمع‌آوری دانش عامیانه رایج در بندرعباس و حوالی آن پرداخته است. نوربخش (۱۳۶۹) در کتاب *جزیره قشم و خلیج فارس* به بررسی رویدادهای تاریخی و وجوه تسمیه قشم پرداخته است. عرب‌ندوی زرنندی (۱۳۹۰) در کتابی با عنوان *فرهنگ تطبیقی لغات*، به بررسی فرهنگ عامیانه پیرامون واژه‌ها و ضرب‌المثل‌های قشم، همت گماشته است. طولی (۱۳۹۰) در اثر خود به وضعیت طبیعی قشم، پیشینه تاریخی و جغرافیای انسانی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن پرداخته است.

### ۳. روش تحقیق

در این پژوهش از روش‌های میدانی و کتابخانه‌ای استفاده شده است. روش میدانی شامل استفاده از ضبط صوت و پرسش‌نامه است. از روش کتابخانه‌ای هم در رابطه با گویش‌های بررسی‌شده منطقه، اطلاعاتی جمع‌آوری شد. جامعه آماری این پژوهش را گویشوران ۶۰ شهر و روستای واقع در شهرستان قشم تشکیل داده‌اند. گویشوران از سنین مختلف انتخاب شده‌اند. بیشتر آنها بی‌سواد و تعدادی دارای تحصیلات دانشگاهی بودند و از هر دو گروه مردان و زنان بودند. گویشوران کارگر، کشاورز، دامدار، ماهی‌گیر، خانه‌دار، کاسب و در مواردی نیز کارمند و از قشر فرهنگی جامعه بودند. در مصاحبه‌ها از گویشوران خواسته می‌شد که واژه‌ها و جملات را به همان گونه که در جمع خانواده صحبت می‌کنند، ادا کنند. در اکثر مصاحبه‌ها، خانواده یا همسایگان گویشور نیز حضور داشتند و گاهی به تبادل نظر با یکدیگر در رابطه با جملات خواسته شده می‌پرداختند.

به‌منظور گردآوری مواد زبانی در تهیه این اطلس زبانی، از شیوه‌نامه مستندسازی «طرح ملی زبانی ایران» استفاده شده که توسط پرمون (۱۳۸۵) معرفی شده است. پرسش‌نامه مذکور شامل ۱۰۵ واژه و عبارت و ۳۶ جمله است که در این پژوهش، بخش واژگان (۸۷ واژه) مورد استفاده قرار گرفت. برای هر گویشور، پرسش‌نامه‌ای خام به‌طور جداگانه در نظر گرفته شد و معادل‌های گویشی با استفاده از الفبای آوانگار بین‌المللی در پرسش‌نامه‌ها ثبت گردید.

نخست، نقشه کاملی از شهرستان قشم تهیه گردید و سپس مناطق مورد تحقیق بر روی نقشه با علائم اختصاری همراه با شماره‌گذاری مشخص گردیدند؛ به طوری که برای بخش مرکزی از نشان اختصاری (M)، برای بخش شهاب از نشان اختصاری (Sh) و برای بخش حرا از نشان اختصاری (H) استفاده شده‌است و هر یک از شهرها و آبادی‌ها نیز با یک عدد مشخص شده‌اند (نقشه شماره ۱-۳).



نقشه ۲. نقشه شماره‌گذاری شده مناطق و آبادی‌های جزیره قشم

جدول ۱. نام آبادی‌ها و مناطق، تلفظ و نشان اختصاری آنها

ردیف	نام آبادی	تلفظ	نشان اختصاری
۱	باسعیدو	basæi:du	H1
۲	باغ بالا	baɣ bala	M1
۳	برکه خلف	berke xælæf	Sh1
۴	بنگالی	bængali	M2
۵	پی پشت	pei poft	M3
۶	تم سنتی	tom sonæti	M4

H2	tom gez	تم گز	۷
M5	tomban	تمبان	۸
M6	turijan	توریان	۹
M7	dʒidʒijan	جیجیان	۱۰
H3	ʃahu ʃærqi	چاهو شرقی	۱۱
H4	ʃahu ɣærbi	چاهو غربی	۱۲
M8	hæmiri	حمیری	۱۳
M9	xaledin	خالدین	۱۴
H5	dæræku	درکو	۱۵
M10	dærgæhan	درگهان	۱۶
M11	defari	دفاری	۱۷
H6	dur bæni	دوربنی	۱۸
H7	dustæku	دوستکو	۱۹
H8	dulab	دولاب	۲۰
H9	deh xoda	دهخدا	۲۱
Sh2	deirestan	دیرستان	۲۲
M12	ræmʃah	رمچاه	۲۳
M13	ræmkan	رمکان	۲۴
Sh3	rigu	ریگو	۲۵
Sh4	zirang	زیرانگ	۲۶
M14	zeinæbi	زینبی	۲۷
H10	sær rig	سرریگ	۲۸
H11	sælæx	سلخ	۲۹
Sh5	suza	سوزا	۳۰
H12	soheili	سهیلی	۳۱

Sh6	fɪb deraz	شبی‌دراز	۳۲
H13	tæbl	طبل	۳۳
M15	towla	طولا	۳۴
H14	ʔajefe ʔabad	عایشه آباد	۳۵
M16	qeʃm	قشم	۳۶
M17	karevan	کاروان	۳۷
H15	kani	کانی	۳۸
M18	kærdova	کردوا	۳۹
H16	konar sijah	کنارسیاه	۴۰
M19	kæværzin	کورزین	۴۱
M20	kufe	کوشه	۴۲
M21	koveji	کووه ای	۴۳
H17	gamberon	گامبرون	۴۴
M22	gorbædan	گربدان	۴۵
H18	guran	گوران	۴۶
H19	guri	گوری	۴۷
M23	gijah dan	گیاهدان	۴۸
M24	laræk	لارک	۴۹
M25	laft	لافت	۵۰
H20	moradi	مرادی	۵۱
Sh7	mesen	مسن	۵۲
H21	melki	ملکی	۵۳
Sh8	næxl e gol	نخل گل	۵۴
M26	næxlestan e turgan	نخلستان تورگان	۵۵
H22	næqaʃe	نقاشه	۵۶



M27	hormoz	هرمز	۵۷
H23	hæft rængu	هفت‌رنگو	۵۸
M28	holor	ه‌لر	۵۹
Sh9	hengam	هنگام	۶۰

#### ۴. فرایندهای آوایی رخ داده در شکل‌گیری واژه‌ها

**همگونی<sup>۱</sup>:** «گاهی یک همخوان در هم‌نشینی با همخوان دیگری پاره‌ای از مختصات آوایی خود را از دست می‌دهد و به‌جای آن، مختصات آوایی همخوان مجاور را به خود می‌پذیرد، این فرایند را که شاید یکی از جهانی‌های آوایی باشد، همگونی گویند» (حق‌شناس، ۱۳۸۸: ۱۵۲).

**قلب<sup>۲</sup>:** «گاهی دو همخوان در ترکیب، بر اثر هم‌نشینی جای خود را با هم عوض می‌کنند؛ به‌طوری‌که همخوان نخستین جایگاه دومین را می‌گیرد و همخوان دومین به جای همخوان نخستین می‌نشیند. این فرایند را قلب گویند» (حق‌شناس، ۱۳۸۸: ۱۵۶)، در واژه‌های برف و پنج.

**حذف<sup>۳</sup>:** «از راه فرایند حذف صدا ممکن است صدایی از بافت صوتی حذف شود. حذف صدا ممکن است در آغاز، میان و یا پایان واژه روی دهد» (مشکوه‌الدینی، ۱۳۷۷: ۱۳۷)، در واژه‌های دختر، مادر، باران و چشم.

**تبدیل (ابدال)<sup>۴</sup>:** «گاهی در زنجیره گفتار یک واحد زنجیری به واحد زنجیری دیگری مبدل می‌شود بی‌آن‌که بتوان برای آن در چارچوب فرایندهای همگونی، ناهمگونی، همگونی واکه و همخوان، یا در چارچوب فرایندهای دیگر، توجیهی یافت» (حق‌شناس، ۱۳۸۸: ۱۶۰)، در واژه‌های چشم، قاطر، سگ، کبوتر، برگ و اسب.

**تبدیل /æ/ یا /ɑ/ به /o/:** در گویش قشمی هرگاه واکه‌های /æ/ یا /ɑ/ پیش از یک همخوان خیشومی قرار گیرند، به /o/ تبدیل می‌شوند (علی‌نژاد و رحیمی، ۱۳۹۰). مانند: نان، زبان و نماز.

**اضافه<sup>۵</sup>:** «گاهی تحت شرایطی یک واحد زنجیری به زنجیره گفتار اضافه می‌شود، این فرایند را اضافه می‌خوانیم. هرگاه در ترکیب آواها با هم، نوعی هم‌نشینی بین واحدهای زبانی به‌وجود آید که یا بر اساس طبیعت آوایی زبان ثقیل باشد و یا خلاف نظام صوتی زبان محسوب شود، برای رفع این اشکال یک واحد زنجیری به زنجیره‌ی گفتار اضافه می‌کنند» (حق‌شناس، ۱۳۸۸: ۱۵۹)، در واژه‌های نر، کبوتر و امروز.

1. assimilation
2. metathesis
3. deletion
4. alteration
5. addition

کشش جبرانی<sup>۱</sup>: «اگر در زنجیره گفتار واحد آوایی حذف شود، واکنه هجای مربوطه کشیده‌تر می‌شود. این کشش را کشش جبرانی می‌گویند. این مختصه به صورت /:/ نشان داده شده‌است» (رحیمیان و رزمجو، ۱۳۸۹: ۶۶)، در واژه این‌جا.

### ۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این بخش، فهرست واژه‌ها، معادل‌های کاربردی آنها، فرایندهای آوایی رخ داده در تلفظ واژه‌ها، فراوانی و پراکندگی کاربرد آنها، ارائه می‌شود.

#### جدول ۲. فهرست واژه‌ها، تلفظ و معادل آنها

صورت‌های تلفظی و پراکندگی کاربردی	تلفظ فارسی	واژه	ردیف
به ۵ صورت ادا می‌شود: [bæp], [baba], [bava], [bova] و [ba]. [bæp] و [bava] در این مناطق از فراوانی بیشتری برخوردار بودند. در H5, H19, H3, H6, Sh4, H11, Sh5, H13, H15, H22, H1, H3, H6, M4, Sh9, M16, M15, M14, M12, M11, M8, M6, M20, M17, M23, M25, M26, M27, M28, /bæp/ مشاهده می‌شود. در M6, /bova/ و در ۲۹ منطقه دیگر /bava/ استفاده می‌شود.	[pedær]	پدر	۱
به ۷ صورت مشاهده شده‌است: [mama], [mæm], [mom], [ma], [mava], [moma], [æzju]. [mom] و [mama] از فراوانی بیشتری در این مناطق برخوردارند. [ma] در H10, Sh2, M10, M13 و واژه استفاده شده در M3, [æzju] و در M24, [mæm] می‌باشد. در M21 از [mava] و در M19 از [moma] استفاده می‌شود. [mama], در Sh1, M5, H5, H7, H8, H12, Sh6, H14.	[madær]	مادر	۲

ردیف	واژه	تلفظ فارسی	صورت‌های تلفظی و پراکندگی کاربردی
			Sh8, H21, Sh7, H20, H19, H18, H17, M19, H16, H23, M2, M6, M11, M13, M18, M26, M29 مشاهده می‌شود. در ۲۷ منطقه از [mom] استفاده می‌شود.
۳	برادر	[bæradær]	به ۳ شکل کاربرد دارد: [borar], [berar] و [kaka]. در اکثر مناطق [kaka] مشاهده می‌شود. در Sh7, H19, M19, S17, H11, H10, H9, H7, H4, H3, H22, M3, M15, M20, M22, M26, M27 و واژه [borar] دیده می‌شود. با تبدیل واکه /e/ به واکه /o/ حاصل می‌شود که در H6, Sh4, M24, Sh8, M4, M6, M9, M10, M13, M16, M17, M23 و M25 به کار برده می‌شود.
۴	خواهر	[xahær]	به ۵ صورت مشاهده شده است: [dada], [xæh], [xah], [xæ] و [xoi]. در نیمی از مناطق (۳۰ منطقه) از [dada] استفاده می‌شود. در Sh7, H17, M19, H14, Sh4, Sh3, H9, H7, H6, H4, Sh8, H22, H23, M3, M10, M13, M16, M17, M18, M20, M22, M23, M25 و واژه [xæh] دیده می‌شود که از حذف واکه /æ/ و همخوان /t/ و تبدیل واکه پسین /a/ به واکه پیشین /æ/ حاصل شده است. با حذف همخوان پایانی، [xæ] به دست می‌آید که در H3, H10, H11, H19 و M4 به کار می‌رود. [xah] در Sh5 کاربرد دارد. در M24 از [xoi] استفاده می‌شود.
۵	پسر	[pesær]	در اکثر مناطق [ʃuk] مشاهده می‌شود. در M5 و H10 واژه [pos] و در M24, [rok] کاربرد دارد.
۶	دختر	[doxtær]	در اکثر مناطق، [doxt] دیده می‌شود که از حذف واکه /æ/ و همخوان /t/ به دست آمده است. در H4, Sh6, Sh3, H9, H18, H9, H6, Sh5, M4, M7, M14 و M23 با حذف هجای پایانی [dox] مشاهده می‌شود. با تبدیل /x/ به /h/ در M13, [doht] و در M3 واژه [doh] مشهود است که حاصل حذف همخوان پایانی /t/ است. در M28

ردیف	واژه	تلفظ فارسی	صورت‌های تلفظی و پراکندگی کاربردی
			واژه [detk] دیده می‌شود.
۷	بچه (فرزند)	[bæʃʃe]	در اکثر مناطق، [ʃʃuk] مشاهده می‌شود، در H12 و H13 از [ʃʃulæŋg] و در M24، [ror] کاربرد دارد.
۸	عمو	[ʔæmu]	در بیشتر مناطق، [ʔamu] دیده می‌شود که واکه پیشین /æ/ به واکه پسین /a/ تبدیل شده‌است. در M24، [ʔæmu] دیده می‌شود. در M15، M16 و M23 با تبدیل واکه پیشین و افتاده /æ/ به واکه پسین و میانی /o/ به صورت [ʔomu] نمود پیدا می‌کند. در Sh6، H21، M19، H9، H11 و H17، [ʃæmmi] دیده می‌شود.
۹	دایی	[daji]	در اکثر مناطق، [xalu] دیده می‌شود. با تبدیل واکه پیشین /a/ به واکه پسین /æ/ در M24 واژه [xælu] دیده می‌شود. در M8، M11، M16 و M26 با تبدیل واکه افتاده /a/ به واکه میانی /o/، [xolu] مشاهده می‌شود.
۱۰	عمه	[ʔæmme]	در ۳۱ منطقه، [dati] و در ۲۳ منطقه، [ʔæmmæ] مشاهده می‌شود در M3، M14 و M21 واژه [dati] با تبدیل واکه پیشین /i/ به واکه پسین /u/ به صورت [datu] نمود پیدا کرده‌است. در M19، Sh7 و H21، [ʔæmme] کاربرد دارد.
۱۱	خاله	[xale]	در بیشتر مناطق، [xalæ] و در M24 با تبدیل واکه /a/ به واکه /æ/ واژه به صورت [xælæ] نمود پیدا می‌کند. در ۱۴ منطقه‌ی H1، H2، H3، H4، H5، H7، H8، H10، H14، H15، M19، H19، Sh7 و M8 به صورت [xale] مشاهده می‌شود.
۱۲	زن (همسر)	[zæn]	در همه مناطق به صورت [zæn] مشاهده شد.
۱۳	شوهر	[ʃowhær]	در همه مناطق به صورت [ʃu] نمود پیدا کرده‌است.

ردیف	واژه	تلفظ فارسی	صورت‌های تلفظی و پراکندگی کاربردی
۱۴	داماد	[damad]	در اکثر مناطق، [dumar] مشاهده می‌شود. در M13، M6، M22، M23 و Sh3 با تبدیل /u/ به /i/ واژه [dimar] دیده می‌شود. در M24 با تبدیل /u/ به /æ:/ [dæ:mær] نمود پیدا می‌کند.
۱۵	عروس	[?ærus]	[?ærus] به هفت صورت نمود پیدا می‌کند. [gow] در ۳۷ منطقه مشاهده می‌شود. این واژه با افزودن /u/ به هجای پایانی به [gowu] تبدیل می‌شود که در Sh1، Sh5، Sh3، H16، H17، Sh9، M11، M15، M26 و M27 مشاهده می‌شود. این واژه به صورت [gavu] در M5، H8، H9، Sh3، M19 و H21 دیده می‌شود و با تبدیل /a/ به /o/ به صورت [govu] در M8 و M16 مشاهده می‌شود. در M13، M21 و M23 [goi] دیده می‌شود. در M3 واژه [guel] و در M24، [beibo] مشاهده می‌گردد.
۱۶	پدربزرگ (پدر پدر)	[pedær boxorg]	به ۱۰ صورت به کار می‌رود: [ba gæpu]، [ba gæp]، [bæp]، [gæpu]، [ba dʒi]، [ba pir]، [bæpu]، [piri]، [piru]، [buvow] و [boji]. [ba gæp]، [bæp gæpu] و [piru] از فراوانی نسبتاً یکسانی برخوردارند. در H6، Sh3، H11، H13، M19، H18، Sh7، H21، H23، M2، M4، M6، M7، M13، M16، M17، M18 و M20 از [ba gæp] استفاده می‌شود. در H1 و M28 با درج /u/ در پایان، [ba gæpu] حاصل می‌شود. در [bæp gæpu] در M5، H9، Sh5، Sh6، H22، M11، M12، M14، M15، M20، M22، M23، M25، M26 و M27 دیده می‌شود. در M1 از [ba pir]، در Sh9 از [boji]، در M24 از /piri/ و در H12 از [buvow] استفاده می‌شود. از [piru] در H2، H3، H4، H5، H7، H8، H10، H14

ردیف	واژه	تلفظ فارسی	صورت‌های تلفظی و پراکندگی کاربردی
			H15, H16, H17, H19, H20 و M3 استفاده می‌شود. [bæpu] در Sh1, Sh4, H16, M8 و M9 و /ba dʒi/ در Sh2 و M21 مشاهده شده است.
۱۷	پدربزرگ (پدرمادر)	[pedær boxorg]	واژه‌های به‌کار رفته برای پدر پدر و پدر مادر در این گویش تقریباً یکسان هستند. [piru], [ba gæp] و [bæp gæpu] در این مناطق رایج‌تر از سایر واژه‌ها هستند. [ba gæp] در Sh3, H6, Sh3, H11, H13, M19, H18, Sh7, H21, H23, M2, M4, M6, M7, M10, M13, M16, M17 و M18 مشاهده می‌شود. [ba gæpu] که از درج واکه /u/ در پایان واژه حاصل می‌شود، در H1 و M28 استفاده می‌شود. [bæp gæpu] در M5, H9, Sh5, Sh6, H22, M11, M12, M14, M15, M20, M21, M22, M25, M26, M27 مشاهده می‌شود. [ba dʒi] در Sh2, [ba pir] در M1, [boji] در Sh9, [buvow] در H12 رواج دارند. از [piru] در H2, H3, H4, H5, H7, H8, H10, H14, H15, H16, H17, H19, H20 و M3 استفاده می‌شود. با تبدیل واکه پایانی /u/ به واکه /i/ [piri] حاصل می‌شود که در M24 مشاهده می‌شود. واژه استفاده شده در Sh1, Sh4, Sh8, M8, M9 و M23, [bæpu] می‌باشد.
۱۸	خورشید	[xorʃid]	در اکثر مناطق (۴۷ نقطه)، [ruz] و در M24 از [ʔentæf] استفاده می‌شود. در M3, M4, M13, M15, M16, M17, M23, M5, H6, Sh4 و H15 [ʔæftow] به‌کار می‌رود.
۱۹	ماه	[mah]	در همه مناطق به‌جز M24, [mah] و در M24 از [mæhtow] استفاده می‌شود.

ردیف	واژه	تلفظ فارسی	صورت‌های تلفظی و پراکندگی کاربردی
۲۰	ستاره	[setare]	به ۴ صورت کاربرد دارد: [setaræ]، [ʔestalæ]، [ʔestale]، [ʔestælæ]. در Sh9 و M27 از [setaræ] استفاده می‌شود در اکثر مناطق از [ʔestalæ] استفاده می‌شود که فرآیند قلب در آن مشهود است و نیز همخوان /r/ به /l/ تبدیل شده‌است و با تبدیل /æ/ به /e/، [ʔestale] در H1، H2، H3، H4، H5، H8، H10، H9، M19، H19 و H20 دیده می‌شود که همگی در بخش شهاب و در قسمت انتهایی جزیره واقع شده‌اند. با تبدیل واکه /ɑ/ به واکه /æ/ در M24، [ʔestælæ] نمود پیدا می‌کند.
۲۱	شب	[ʃæb]	به جز در M3 در همه نقاط به صورت [ʃow] یافت می‌شود. که در همه آن‌ها همخوان لبی /b/ در پایانه‌ی هجا به غلت [w] تبدیل شده‌است که با قاعده تضعیف روبه‌رو هستیم و نیز هماهنگی واکه‌ای را در تبدیل /æ/ به /o/ شاهد هستیم. در M3 این واژه به صورت [ʃaw] نمود پیدا می‌کند.
۲۲	روز	[ruz]	در همه مناطق به جز M24 از [ruz] استفاده می‌شود. در M24 با تبدیل /u/ به /o:/ از [ro:z] استفاده می‌شود.
۲۳	باد	[bad]	به ۹ صورت یافت شده‌است: [howa]، [kowl]، [bad]، [hewa]، [hawa]، [hæva]، [hova]، [fortæ] و [forte]. در M14 از [bad] در M24 از [kowl]، در H17 از [hawa]، در H6 از [forte]، در Sh4 از [hewa] استفاده می‌شود. در M5، H14، H18، M3 و M21 از [hova] استفاده می‌شود. در [fortæ] در H12، H13، H16، H22، H23، M7، M8، M11، M12، M15، M26 و M28 کاربرد دارد. در H1، H2، H3، H4، H5، H8، H11، M19، H18، H19، H21، M10 و M16 [howa] استفاده می‌شود. در ۲۵ منطقه‌ی دیگر [hæva] مشاهده می‌شود.
۲۴	آتش	[ʔataʃ]	تبدیل /æ/ به /e/ را در اکثر مناطق دیده می‌شود، به جز در H3 و Sh5 که به صورت /i/ نمود پیدا می‌کند و در M24 که [hætæʃ]

ردیف	واژه	تلفظ فارسی	صورت‌های تلفظی و پراکندگی کاربردی
			مشاهده می‌شود.
۲۵	خاک	[xak]	در اکثر مناطق از [xak] استفاده می‌شود. در H2، H4 و H17 از [riy] استفاده می‌شود و در M24 این واژه با تبدیل واکه /i/ به واکه /e/ به [rey] تغییر می‌یابد.
۲۶	باران	[baran]	در اکثر مناطق با تبدیل /a/ در هجای پایانی به /o/ به صورت [baron] نمود پیدا می‌کند که نوعی همگونی واکه‌ای است و در M3 و M12 با حذف همخوان پایانی به [baro] تبدیل می‌شود. در M24 با تبدیل /a/ در هجای اول به /æ:/ و در هجای دوم به /æ:/ [bæ:ræn] دیده می‌شود.
۲۷	برف	[bærf]	M2 و M7 از [jæx] استفاده می‌کنند. در ۱۶ منطقه‌ی Sh1، Sh2، Sh3، Sh4، Sh5، Sh6، H17، H22، M3، M4، M11، M16، M17، M18، M20 و M22 از [bærf] استفاده می‌شود. در اینجا شاهد فرآیند قلب (جابه‌جایی) هستیم. در ۴۲ منطقه‌ی دیگر از [bærf] استفاده می‌شود. با توجه به موقعیت جغرافیایی قشم و نباریدن برف در منطقه، واژه‌ای برای آن وجود ندارد.
۲۸	سنگ	[sæng]	در همه مناطق به جز M24 از [sæng] استفاده می‌شود. در M24 کاربرد دارد.
۲۹	چشم	[tʃeʃm]	به ۷ صورت مشاهده شده است. تنها در M25 از [tʃeʃm] استفاده می‌شود. با تبدیل همخوان /j/ به /h/ این واژه به [tʃehm] تبدیل می‌شود که در ۱۵ منطقه M5، H6، H9، Sh4، H17، H22، M1، M2، M4، M6، M11، M16، M17، M20 و M27 مشاهده می‌شود. با تبدیل واکه /e/ به واکه /æ/ این واژه به [tʃæhm] تبدیل می‌شود که در M24 رواج دارد. [tʃehn] که در Sh3 کاربرد دارد، از تبدیل همخوان پایانی /m/ به /n/ به دست می‌آید.



ردیف	واژه	تلفظ فارسی	صورت‌های تلفظی و پراکندگی کاربردی
			از حذف همخوان پایانی /m/ واژه [tʃeh] حاصل می‌شود که در درگهان کاربرد دارد. با حذف همخوان /j/ از [tʃejm]، واژه [tʃem] به دست می‌آید که از فراوانی بیشتری نسبت به سایر واژه‌ها، برخوردار است. با تبدیل /e/ به /o/ [tʃom] به دست می‌آید که در H1، H2، H8، H10، H15 و H16 دیده می‌شود.
۳۰	دهان	[dæhan]	در همه مناطق به جز M3، از [low] استفاده می‌شود و با تبدیل واژه /o/ به واژه /a/ [law] به دست می‌آید که در M3 رواج دارد.
۳۱	زبان	[zæban]	در اکثر مناطق (۴۰ منطقه) از [zæbon] استفاده می‌شود که با تبدیل واژه /a/ به واژه /o/ به دست آمده است. با تبدیل واژه /a/ به /u/ [zæbun] حاصل می‌شود که در H19 و Sh9 رواج دارد. در M3 و M12 از [zæbo] استفاده می‌شود که از حذف همخوان پایانی /n/ به دست آمده است. در M21 از [zobon] استفاده می‌شود که حاصل تبدیل هر دو واژه به /o/ می‌باشد. از تبدیل واژه /æ/ در هجای اول به واژه /e/ و واژه /a/ در هجای دوم به واژه /o/ [zebon] به دست می‌آید که در Sh6 دیده می‌شود. در [zævon]، [zovon]، [zevon] و [zovan] شاهد تبدیل همخوان دولبی /b/ به همخوان لبی-دندانی /v/ هستیم. با تبدیل واژه /a/ در هجای پایانی به واژه /o/ [zævon] به دست می‌آید که در H1، Sh1، H6، Sh3، H11، H12، H13، Sh7، H21، H23 و M2 مشاهده می‌شود. در H3، [zovon] رواج دارد که از تبدیل هر دو واژه به /o/ حاصل می‌شود. از تبدیل واژه هجای اول به /e/ و واژه هجای دوم به /o/ [zevon] به دست می‌آید که در M19 استفاده می‌شود.

ردیف	واژه	تلفظ فارسی	صورت‌های تلفظی و پراکندگی کاربردی
			در M24، [zovan] کاربرد دارد که با تبدیل واکه /æ/ واقع در هجای اول به واکه /o/ به دست می‌آید.
۳۲	خون	[xun]	در همه مناطق به جز M24 از [xun] استفاده می‌شود. در M24 از [xoim] استفاده می‌شود.
۳۳	گاو	[gav]	در همه مناطق به جز M24، با حذف همخوان پایانی /v/ از [ga] استفاده می‌شود. در M24 از [gæ] استفاده می‌شود که از تبدیل واکه /a/ به واکه /æ/ حاصل می‌شود.
۳۴	بز	[boz]	به ۳ صورت نمود پیدا می‌کند. [kæhre] در H1، H2، H3، H4، H5، H7، H8، H9، H10، H19 و Sh7 مشاهده می‌شود. با تبدیل واکه /e/ به واکه /æ/ حاصل می‌شود که در اکثر مناطق (۴۸ نقطه) کاربرد دارد. در M24، [gosen] استفاده می‌شود.
۳۵	بره	[bærre]	به ۵ صورت مشاهده شده است: [ʃʏk bærræ]، [ʃʏk bærræ]، [bærræ]، [goræhk] و [rorije] در Sh9، M8 و M27 از [bærræ] استفاده می‌شود که از تبدیل واکه پایانی /e/ به واکه /æ/ حاصل شده است. H1، H2، H3، H4، H7، H8، H9، H10، H19 و Sh7 از [ʃʏk bærræ] استفاده می‌کنند. لازم به یادآوری است که [ʃʏk] به معنای بچه (فرزند) می‌باشد و بنابه گفته گویشوران و مشاهدات پژوهشگران، با توجه به شرایط اقلیمی جزیره و نبودن «بره» در منطقه، برای «میش» واژه‌ای وجود ندارد و از «بره» استفاده می‌شود و بنابراین برای بچه آن [ʃʏk] را به کار می‌برند. در اکثر مناطق (۴۵ منطقه) از [ʃʏk bærræ] و در M11، [goræhk] و در M24، [rorije] رایج است.
۳۶	میش	[miʃ]	به ۲ صورت [bærre] و [bærræ] نمود پیدا می‌کند. در H1، H2، H3، H4، H7، H8، H9، H10، H19 و Sh7 که همگی در بخش شهاب و در انتهای جزیره واقع هستند، از [bærre] استفاده می‌کنند. [bærræ] در اکثر مناطق (۵۰ منطقه) مشاهده می‌شود.

ردیف	واژه	تلفظ فارسی	صورت‌های تلفظی و پراکندگی کاربردی
۳۷	گرگ	[gorg]	در همه مناطق از [gorg] استفاده می‌شود به جز H7 که از [ture] استفاده می‌کنند.
۳۸	قاطر	[qater]	در همه مناطق به جز M24، با تبدیل /q/ به /k/، [kater] مشاهده می‌شود. لازم به ذکر است که در گویش‌های مورد بررسی، همخوان /q/ وجود ندارد. در M24 از [xær] استفاده می‌شود.
۳۹	سگ	[sæg]	به ۳ صورت نمود پیدا کرده است: [sæx]، [sæɣ] و [soɣ]. در اکثر مناطق (۴۳ منطقه)، [sæx] مشاهده می‌شود که از تبدیل همخوان /g/ به همخوان /x/ به دست می‌آید. از تبدیل این همخوان به /ɣ/، [sæɣ] حاصل می‌گردد که در M5، M6، M2، Sh5، Sh7، Sh21، Sh9، M1، M8، M13، M15، M16، M17، M22، M26 و M27 مشاهده می‌گردد. از تبدیل واژه /æ/ به واژه /o/، [soɣ] به دست می‌آید که در M24 رواج دارد.
۴۰	مرغ	[morq]	به ۴ صورت مشاهده شد: [mory]، [morx]، [morg] و [muru]. از [muru] در M24 استفاده می‌شود. [mory] در H1، H2، H3، H4، H8، H10، H15، H19 و Sh7 مشاهده می‌شود. با تبدیل /ɣ/ به /x/، [morx] حاصل می‌شود که در H5، H7، H14، H16 و M25 قابل مشاهده است. در بقیه مناطق (۴۵ منطقه)، [morg] یافت.
۴۱	خروس	[xorus]	به ۶ صورت مشاهده شده است: [xuru]، [xurus]، [xoro]، [xoru]، [kurus] و [korus]. رایج‌ترین واژه، [xuru] می‌باشد که در آن تبدیل واژه /o/ موجود در هجای اول به واژه /u/ و حذف همخوان پایانی /s/ مشهود است. با حذف همخوان پایانی /s/، [xoru] حاصل می‌شود که در M14 دیده می‌شود.

ردیف	واژه	تلفظ فارسی	صورت‌های تلفظی و پراکندگی کاربردی
			<p>تبدیل /o/ در هجای آغازین به /u/ در Sh1، Sh2، Sh3، H11، Sh6، Sh8، H22، M2، M4، M6، M7، M12، M18، M20، M21، M22، M23 و M25 قابل مشاهده است.</p> <p>با تبدیل واکه هجای دوم به /o/ و حذف همخوان پایانی /s/ [xoro] در M24 حاصل می‌شود.</p> <p>همخوان /x/ موجود در هجای آغازین به /k/ تبدیل می‌شود و این واژه به صورت [korus] در M6، M8، M11 و M26 مشاهده می‌شود.</p> <p>[kurus] حاصل تبدیل همخوان /x/ در هجای اول به /k/ و نیز تبدیل واکه /o/ موجود در هجای اول به /u/ در Sh4، Sh5، Sh9، M1، M10، M13، M15، M16، M18، M27 و M28 به کار برده می‌شود.</p>
۴۲	کبوتر	[kæbutær]	<p>به ۶ صورت مشاهده شده است: [kæmutær]، [kæbutær]، [kæmtær]، [kæftær] و [kæftor].</p> <p>[kæbutær] در Sh7، M12، M21 و M23 مشاهده می‌شود.</p> <p>از تبدیل همخوان /b/ موجود در هجای دوم، [kæmutær] حاصل می‌شود که در اکثر مناطق (۴۸ منطقه) به کار می‌رود و در M5 و M3 واکه /æ/ موجود در هجای آغازین به واکه /e/ تبدیل می‌شود.</p> <p>در H3 و H14، [kæmontær] استفاده می‌شود که در آن تبدیل همخوان /b/ به /m/، تبدیل واکه /u/ به واکه /o/ و همچنین افزایش همخوان /n/ به هجای میانی قابل مشاهده است.</p> <p>در Sh9، M8 و M27 از [kæftær] و در M24 با تبدیل واکه موجود در هجای دوم به /o/، [kæftor] به کار می‌رود.</p>
۴۳	چوب	[ʃub]	<p>به ۶ صورت [dar]، [gord]، [tæxte]، [tæxtæ]، [mæhr] و [loh] ادا می‌شود.</p> <p>در اکثر مناطق (۵۰ منطقه)، از [dar] استفاده می‌شود.</p> <p>[gord] در H4، H5، H13 و H17 دیده می‌شود.</p> <p>[loh] در M24 و [mæhr] در M21 کاربرد دارند.</p>

ردیف	واژه	تلفظ فارسی	صورت‌های تلفظی و پراکندگی کاربردی
			در M4، [tæxte] رواج دارد. [tæxtæ] در H15، M13 و M23 مورد استفاده قرار می‌گیرد.
۴۴	برگ	[bærg]	به ۴ صورت [bærg]، [gærg]، [værq] و [taɣ] مشاهده شده‌است. در [bærg] H1، Sh1، H3، H4، H5، H6، H7، H10، H11، H12، H13، H15، H18، H19، Sh7، H21، Sh8، Sh9، M9، M14، M18، M23، M25 مشاهده می‌شود. با تبدیل همخوان /b/ به /g/، [gærg] حاصل می‌شود که در اکثر مناطق (۳۵ منطقه) مورد استفاده قرار می‌گیرد. در M24 از [værq] و در M27 از [taɣ] مشاهده می‌شود.
۴۵	گل	[gol]	به ۳ صورت [gol]، [pol] و [bohar] به کار می‌رود. در M13 و M16 از [bohar] استفاده می‌شود. با تبدیل همخوان /g/ به /p/، [pol] حاصل می‌شود که در H9، H14، M2، M3، M9، M12 و M28 مشاهده می‌شود. در دیگر مناطق (۵۱ منطقه)، [gol] به کار می‌رود.
۴۶	درخت	[deræxt]	به ۵ صورت مشاهده شده‌است: [deræxt]، [deræx]، [deræxtʃ]، [deræxtʃe] و [deræxtʃæ]. در اکثر مناطق (۴۶ منطقه) از [deræxt] استفاده می‌شود. در H16، H17، H18، H23، M2، M16، M17 و M20 با تبدیل همخوان پایانی /t/ به /tʃ/، [deræxtʃ] مشاهده می‌شود. با افزایش واکه‌های /e/ یا /æ/، [deræxtʃe] و [deræxtʃæ] حاصل می‌شوند که [deræxtʃe] در M24 و [deræxtʃæ] در M5 و H22 مشاهده شده‌اند. با حذف همخوان پایانی /t/، [deræx] در Sh4، M23 و M25 نمود پیدا کرده‌است.
۴۷	جو	[dʒow]	در M3 با تبدیل واکه /o/ به واکه /a/ از [dʒaw] استفاده می‌شود. در بقیه مناطق، [dʒow] کاربرد دارد.
۴۸	بادام	[badam]	از تبدیل واکه /a/ موجود در هجای دوم به واکه /o/، [badom] به دست می‌آید که در همه مناطق به جز M24 مشاهده می‌شود.

ردیف	واژه	تلفظ فارسی	صورت‌های تلفظی و پراکندگی کاربردی
			در M24، [bæ:dæm] کاربرد دارد که از تبدیل واکه اول به /æ:/ و واکه دوم به /æ/ حاصل می‌گردد.
۴۹	یوغ	[juq]	به ۷ صورت مشاهده شده‌است: [jox]، [joɣ]، [lingar]، [dar]، [lingær]، [sehr] و [melæh]. در اکثر مناطق (۳۵ منطقه)، [jox] مشاهده می‌شود. با تبدیل همخوان پایانی /x/ به /ɣ/، [joɣ] حاصل می‌شود که در H3، H9، Sh2، Sh6، Sh8، H15، Sh8، M8 و M22 مشاهده می‌شود. [lingar] در H1، H2، H20، Sh9، M7، M10 و M27 به کار می‌رود. با تبدیل واکه /a/ به واکه /æ/، [lingær] حاصل می‌شود که در M24 مشاهده می‌شود. [dar lingar] در H7، H18، Sh7، M13، M15 و M23 به کار می‌رود. [dar] به معنی «چوب» می‌باشد. در H17 و M25 از [sehr] و در M3 از [melæh] استفاده می‌شود.
۵۰	خانه	[xane]	به ۸ صورت مشاهده شده‌است: [xone]، [sora]، [sera]، [xænovο]، [xanæ]، [xonæ]، [xunæ]، [xune]. در ۲۸ منطقه، [sera] و در ۱۳ منطقه با تفاوت در واکه موجود در هجای اول، [sora] مشاهده شده‌است. [xane]، با تبدیل واکه /a/ به واکه /o/ به صورت [xone] در H3 و نیز با تبدیل آن به /u/ در H2، H4، H5، H8، H10، H15 و H19 به صورت [xune] به کار می‌رود. با تبدیل واکه اول به /u/ و واکه دوم به /æ/، [xunæ] نمود پیدا می‌کند که در H7، S16، H12، Sh9، M18، M25 و M27 به کار می‌رود. با تبدیل واکه موجود در هجای اول به /o/ و واکه موجود در هجای دوم به /æ/، [xonæ] در H6 و H13 نمود پیدا می‌کند. [xanæ] از تبدیل واکه پایانی به /æ/ حاصل می‌شود و در M2 مورد استفاده قرار می‌گیرد. در M24، [xænovο] مشاهده می‌شود.

ردیف	واژه	تلفظ فارسی	صورت‌های تلفظی و پراکندگی کاربردی
۵۱	اجاق	[ʔodʒaɟ]	به ۸ صورت مشاهده شده‌است: [ʃulæ]، [ʃule]، [kordon]، [kudon]، [kordu]، [pereimes]، [ʃeray gaz] و [gæ:zo]. در اکثر مناطق (۳۶ منطقه) از [ʃulæ] استفاده شده‌است. این واژه با واکه پایانی /e/ در H1، H2، H3، H4، H5، H6، H8، H2، Sh2، H10، H13، M19، H19، H21 و M9 دیده می‌شود. در [kordon] در M8 و M26، [kudon] در M27 و [kordu] در M3 استفاده می‌شوند. در H9 و M15، [pereimes]، در Sh5 و M25، [ʃeray gaz] و در M24، [gæ:zo] رواج دارند.
۵۲	هیزم	[hizom]	به ۶ صورت به کار رفته‌است: [dar]، [hemæɣ]، [ʃutur]، [ʃing] و [mæhr]. در اکثر مناطق (۵۵ نقطه)، [dar] مشاهده شده‌است. در M24، [hemæɣ]، در H7، [ʃutur]، در M5، [ʃing]، در H23، [xeʃar] و در M27، [mæhr] مورد استفاده قرار می‌گیرد.
۵۳	نان	[nan]	به ۴ صورت مشاهده شده‌است: [nun]، [non]، [næn] و [nu]. در اکثر مناطق (۴۸ منطقه)، [non] استفاده شده‌است که از تبدیل واکه /a/ به واکه /o/ به دست آمده‌است. [nun] که از تبدیل واکه /a/ به واکه /u/ حاصل شده‌است در H1، H2، H5، H8، H10، H14، H19، M6، M7 و M28 به کار می‌رود. در [næn] رایج است و از تبدیل واکه /a/ به واکه /æ/ به دست می‌آید و [nu] از تبدیل واکه /a/ به واکه /u/ و حذف همخوان پایانی /n/ حاصل می‌شود و در M3 دیده می‌شود.
۵۴	پنیر	[pænir]	به ۲ صورت به کار رفته‌است: [pænir] و [penir]. در M8، M10، M11، M14، M15، M16، M21، M26 و M27 که همگی در بخش مرکزی واقع شده‌اند، [pænir] مشاهده می‌شود. در ۵۱ منطقه‌ی دیگر با تبدیل واکه /æ/ موجود در هجای اول به

ردیف	واژه	تلفظ فارسی	صورت‌های تلفظی و پراکندگی کاربردی
			واکه /e/ [penir] مشاهده می‌شود.
۵۵	نماز	[næmaz]	به ۳ صورت [nomaz]، [nemaz] و [sælat] به کار می‌رود. در اکثر مناطق (۳۴ منطقه)، [nomaz] به کار می‌رود که از تبدیل واکه /æ/ موجود در هجای اول به واکه /o/ به دست می‌آید. با تبدیل واکه /æ/ به /e/ [nemaz] به دست می‌آید که در H2، H7، H8، Sh2، Sh5، Sh6، H11، H16، H17، H19، M24، M7، M8، M11، M12، M15، M16، M18، M22، M23، M26، M27 و M28 رواج دارد. در H15 از واژه عربی [sælat] استفاده می‌شود.
۵۶	نر	[nær]	در ۵۸ منطقه به صورت [nær] نمود پیدا کرده‌است. در M9 با اضافه شدن /i/ به هجای پایانی به صورت [næri] مشاهده شده‌است. در M24 از [howli] استفاده می‌شود.
۵۷	ماده	[madde]	به ۵ صورت نمود پیدا کرده‌است: [madæ]، [madde]، [maddæ] و [bokret]. در [made] H1، H6، H7، H15، M19، H18 و H21 مشاهده شده‌است. تبدیل واکه پایانی /e/ به واکه /æ/ در اکثر مناطق (۳۶ منطقه) مشهود است و [madæ] به کار می‌رود. در H2، H3، H4، H5، H8، H10 و Sh7 با مشدد شدن همخوان موجود در هجای دوم، [madde] مشاهده می‌شود. در Sh4، H17، H19، M8، M11، M15، M25، M26 و M27 نیز همخوان هجای دوم مشدد می‌شود و واکه موجود در هجای دوم از /e/ به /æ/ تبدیل می‌شود و [maddæ] به کار می‌رود. در M24، [bokret] دیده می‌شود.
۵۸	شیرین	[ʃirin]	در ۵۷ منطقه از [ʃirin] استفاده می‌شود. از تبدیل واکه /i/ موجود در هجای دوم به واکه /e/ [ʃiren] حاصل می‌شود که در Sh4 و M12 مشاهده می‌شود. در M3



ردیف	واژه	تلفظ فارسی	صورت‌های تلفظی و پراکندگی کاربردی
			[ʃini] به کار می‌رود.
۵۹	دور	[dur]	در همه مناطق به جز M24 از [dur] استفاده می‌شود. در M24 این واژه با تبدیل واکه /u/ به واکه /o:/ به صورت [do:r] نمود پیدا می‌کند
۶۰	نزدیک	[næzdik]	در M19, Sh9, M8, M11, M14, M15, M16, M26 و M27 از [næzdik] استفاده می‌شود. با تبدیل واکه /æ/ موجود در هجای اول به واکه /e/ واژه [nezdik] حاصل می‌شود که در M24 و M13 رواج دارد. [næzik] که با حذف همخوان /d/ موجود در هجای دوم به دست می‌آید، در M22, M20, M6, H21 به کار می‌رود. در اکثر مناطق (۴۱ منطقه)، [nezik] مورد استفاده قرار می‌گیرد که از تبدیل واکه /æ/ موجود در هجای اول به واکه /e/ و همچنین حذف همخوان /d/ از هجای دوم حاصل شده است. [neiz] در H4, H6 و H15 مشاهده می‌شود. در M23, [pæhlu] کاربرد دارد.
۶۱	آبستن (انسان)	[ʔabestæn]	به ۵ صورت [dæst pa sængin], [sængin], [sengin], [bardar] و [gusten] نمود پیدا می‌کند. در اکثر مناطق (۴۰ منطقه) از [sængin] استفاده می‌شود. این واژه با تبدیل واکه /æ/ به واکه /e/ به صورت [sengin] در Sh6 و M23 مشاهده می‌شود. [dæst pa sængin] در H1, H2, H3, H4, H5, H6, H7, H8, H10, H15, Sh5, H16, H17, H19, H20 و H21 که همگی در بخش شهاب و اکثراً در انتهای جزیره واقع شده‌اند، به کار می‌رود. در M2 از [bardar] و در M24 از [gusten] استفاده می‌شود.
۶۲	آبستن (حیوان)	[ʔabestæn]	[ʔabestæn] برای حیوان، به جز M24، متفاوت از انسان است و به ۴ صورت [ʔavos], [ʔavos], [ʔavoz] و [gusten] نمود پیدا می‌کند.

ردیف	واژه	تلفظ فارسی	صورت‌های تلفظی و پراکندگی کاربردی
			[ʔavos] از فراوانی بیشتری برخوردار است و در ۳۱ منطقه کاربرد دارد که اکثراً در قسمت انتهایی جزیره واقع شده‌اند. [ʔavos] در ۲۷ منطقه، که اکثراً در قسمت مرکزی جزیره واقع شده‌اند، رواج دارد. این واژه از تبدیل همخوان /v/ به همخوان /ɣ/ حاصل شده‌است. از [ʔavoz] در H17 کاربرد دارد که از تبدیل همخوان پایانی /s/ به /z/ به‌دست آمده‌است. از [gusten] در M24 استفاده می‌شود.
۶۳	من	[mæn]	در همه مناطق به‌جز M21 و M23 به‌صورت [me] مشاهده می‌شود. در M21 و M23 این ضمیر با تبدیل واکه /e/ به واکه /i/ به‌صورت [mi] به‌کار می‌رود.
۶۴	تو	[to]	در همه مناطق همانند فارسی معیار می‌باشد.
۶۵	او	[ʔu]	به ۸ صورت مشاهده شده است: [ʔon]، [ʔun]، [ʔu]، [je]، [ʔu han]، [ʔi:]، [ʔu ha] و [ʔo hon]. در H3، H11، H16، H19، M19، H21، H23، M6، M14، M18 و M27 از [ʔu] استفاده می‌شود. افزایش همخوان /n/ به انتهای این واژه در M5، H2، H6، H8، Sh2، Sh6، H14، Sh7، H22، Sh9، M9 و M13 مشاهده می‌شود. در M2 از [ʔo hon]، در H13 از [ʔu ha]، در H12 از [ʔu han]، در H5 و M24 از [je] و در H9، H17، H18 و M3 از [ʔi:] استفاده می‌شود. در بقیه مناطق (۲۹ منطقه)، [ʔon] مشاهده می‌شود.
۶۶	ما	[ma]	در همه مناطق به‌جز M13 و M28 [ma] رایج است. در این دو منطقه با تبدیل واکه /a/ به واکه /o/ [mo] مشاهده می‌شود.
۶۷	شما	[ʃoma]	در اکثر مناطق (۵۶ منطقه) از [ʃoma] استفاده می‌شود. در M13، Sh2 و M16 با تبدیل واکه موجود در هجای اول به

ردیف	واژه	تلفظ فارسی	صورت‌های تلفظی و پراکندگی کاربردی
			/e/ [fema] مشاهده می‌شود. در M24، [efmæ] مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این واژه تبدیل واکه /a/ به واکه /æ/ و نیز فرآیند قلب (جابه‌جایی) مشهود است.
۶۸	آن‌ها	[ʔanha]	به ۸ صورت مشاهده شده‌است: [ʔonʃun]، [ʔonʃon]، [ʔunʃon]، [ʔi:ʃon]، [ʔonʃo]، [ʔænʃinæn]، [ʔunʃun]، [ʔoʃon]. در اکثر مناطق (۴۰ منطقه)، [ʔonʃon] استفاده می‌شود. با تبدیل واکه موجود در هجای دوم به /u/، [ʔonʃun] در Sh9، و با تبدیل هر دو واکه واژه به /o/، [ʔunʃun] در H13 مشاهده می‌شود. در نتیجه حذف همخوان پایانی /n/، [ʔonʃo] در M3 و M12 مورد استفاده قرار می‌گیرد. با حذف همخوان /n/ موجود در هجای اول، [ʔoʃon] حاصل می‌شود که در H7، M13 و M16 قابل مشاهده است. در نتیجه تبدیل واکه‌ی موجود در هجای اول به /u/، [ʔunʃon] حاصل می‌شود که در H4، H10، H12 و M19 به‌کار می‌رود. در M24 از [ʔænʃinæn] و در M5، H5، H6، Sh2، H11، S19، H21 و H22 از [ʔi:ʃon] استفاده می‌کنند.
۶۹	یک	[dʒek]	به ۲ صورت مشاهده شده‌است: [jek] و [jæk]. در Sh1، H4، Sh4، Sh5، Sh6، M24، M9 و M25، [jek] به‌کار می‌رود و در ۵۲ منطقه دیگر با تبدیل واکه /e/ به واکه /æ/، [jæk] مشاهده می‌شود.
۷۰	دو	[do]	در همه مناطق این واژه به‌صورت [do] مشاهده می‌شود.
۷۱	سه	[se]	به‌طور مساوی به دو صورت [se] و [so] به‌کار می‌رود. در [so]، تبدیل واکه /e/ به واکه /o/ مشاهده می‌شود.
۷۲	چهار	[ʃæhar]	در همه مناطق به‌جز M24 از [ʃar] استفاده می‌شود. در M24، واکه موجود در هجای دوم، از /a/ به /æ/ تبدیل

ردیف	واژه	تلفظ فارسی	صورت‌های تلفظی و پراکندگی کاربردی
			می‌شود و [tʃæhær] به کار می‌رود.
۷۳	پنج	[pændʒ]	<p>به ۸ صورت مشاهده شده‌است: [pændʒ], [pænʃ], [pæntʃ], [penʃ], [pendʒ], [pæfn], [pæn], [pæi].</p> <p>در ۲۸ منطقه از [pændʒ] استفاده می‌شود.</p> <p>[pænʃ] که در M5, H12, H14, M19, M2, M16 به کار می‌رود از تبدیل همخوان پایانی /dʒ/ به /ʃ/ حاصل می‌شود و در نتیجه فرآیند قلب واژه [pæfn] در H13 نمود پیدا می‌کند.</p> <p>از تبدیل همخوان پایانی /dʒ/ به /tʃ/ [pæntʃ] به دست می‌آید که در H21 مشاهده می‌شود.</p> <p>در M24، واکه /æ/ به واکه /e/ تبدیل می‌شود و واژه [pendʒ] به کار می‌رود.</p> <p>در نتیجه‌ی تبدیل واکه /æ/ به واکه /e/ و نیز تبدیل همخوان پایانی /dʒ/ به /ʃ/ [penʃ] به دست می‌آید که در Sh6 کاربرد دارد.</p> <p>[pæn] نتیجه فرآیند حذف است که در H1, Sh1, H2, H3, H4, H5, H6, H7, H10, H11, H19, Sh5, H20, M3, M4, M12, M13, M14, M17, M21, M28 و M28 رواج دارد. در M10 از [pæi] استفاده می‌شود.</p>
۷۴	شش	[ʃeʃ]	<p>به ۴ صورت مشاهده شده‌است: [ʃeʃ], [ʃiʃ], [ʃiʃt] و [ʃeʃt].</p> <p>در H9, Sh7, M6, M9, M14, M23, M25, M26 و M27 مشاهده می‌شود.</p> <p>در اکثر مناطق (۴۷ منطقه) از [ʃiʃ] استفاده می‌شود. همخوان /t/ به پایان واژه‌ها افزوده می‌شود و [ʃiʃt] و [ʃeʃt] حاصل می‌شوند که [ʃiʃt] در H8, H16 و M22 و [ʃeʃt] در H22 مشاهده می‌شوند.</p>
۷۵	هفت	[hæft]	<p>به صورت [hæft] در ۲۸ منطقه به کار می‌رود و در ۳۲ منطقه دیگر با حذف همخوان پایانی /t/ به صورت [hæf] کاربرد دارد.</p>
۷۶	هشت	[hæst]	<p>به صورت [hæst] در ۲۷ منطقه رواج دارد و در ۳۳ منطقه دیگر</p>

ردیف	واژه	تلفظ فارسی	صورت‌های تلفظی و پراکندگی کاربردی
			با حذف همخوان پایانی /t/ به صورت [hæf] نمود پیدا می‌کند.
۷۷	نه	[noh]	در اکثر مناطق (۵۵ منطقه)، به صورت [noh] مشاهده می‌شود. این واژه با حذف همخوان پایانی /h/ به صورت [no] در H2، H5، H8، H10 و H19 استفاده می‌شود.
۷۸	ده	[dæh]	در همه مناطق به صورت [dæh] نمود پیدا می‌کند.
۷۹	هزار	[hezar]	به ۳ صورت [hezar]، [hæzar] و [hæ:zær] مشاهده شده است. در اکثر مناطق (۵۷ منطقه)، از [hezar] استفاده می‌شود. در M1 و M13 از [hæzar] استفاده می‌شود که تبدیل واکه /e/ موجود در هجای اول به واکه /æ/ مشهود است. در M24، [hæ:zær] در نتیجه تبدیل /e/ به /æ:/ و /a/ به /æ/ حاصل می‌شود.
۸۰	صد	[sæd]	در H17 از [jek sæd] استفاده می‌شود و در بقیه مناطق، [sæd] مشاهده می‌گردد.
۸۱	بیست	[bist]	در H1، H4، H7، H8، H9، Sh2، Sh3، H16، H18، H19، M24، H20، Sh7، H21، Sh8، Sh9، M8، M9، M10، M11، M15، M18، M22، M26، M27، [bist] مشاهده می‌شود و در بقیه مناطق (۳۵ منطقه) با حذف /t/ پایانی، [bis] رایج است.
۸۲	این‌جا	[?indʒa]	در H7، H16، H19 و H20 از [?in dʒa] استفاده می‌شود و با حذف همخوان /n/ از پایان واژه [?in] و کشیدگی /i/ به جبران حذف همخوان (کشش جبرانی)، به [?i: dʒa] تبدیل می‌شود که در اکثر مناطق (۵۰ منطقه) مشاهده می‌شود. در M21، به پایان آن هجای /ha/ افزوده می‌شود و به صورت [?i: dʒa ha] نمود پیدا می‌کند. در H10 و M13 از [hem dʒa]، در Sh6 از [hæm dʒa]، در M6 از [hemi dʒa] و در M24 از [?e su] استفاده می‌شود.

ردیف	واژه	تلفظ فارسی	صورت‌های تلفظی و پراکندگی کاربردی
۸۳	آن‌جا	[ʔandʒa]	در اکثر مناطق (۴۳ منطقه)، [ʔon dʒa] دیده می‌شود. در H3، H8، H9، Sh2، H10، H11، Sh6، H13، H14، H16، M19، H21، H22، H23، M3 و M6 با تبدیل واکه هجای اول به واکه /u/، به صورت [ʔun dʒa] نمود پیدا می‌کند. در M24 از [ʔæn dʒegæ:hæn] استفاده می‌شود
۸۴	درخت‌ها	[deræxtha]	به ۹ صورت نمود پیدا کرده است: [deræxton]، [deræxʃævon]، [deræxʃæon]، [deræxʃæon]، [deræxʃon] و [deræxʃæon] و [deræxtæn]. علامت جمع در اکثر مناطق به صورت /on/ می‌باشد، با تبدیل واکه آغازین به /u/، /un/ حاصل می‌شود و با حذف همخوان پایانی /o/ و با تبدیل واکه آغازین به /æ/، /æn/ نمود پیدا می‌کند. بنابراین در اکثر مناطق (۴۵ منطقه)، [deræxton] مشاهده می‌شود. در H6، Sh6، H14، H16، M2، M16، M20 و M22 [deræxʃon]، در H17، [deræxʃæon]، در Sh2، [deræxʃæon]، در H8، [deræxʃæon]، در H22، [deræxʃun]، در M24، [deræxtæn] و در M3، [deræxto] استفاده می‌شوند. در M5، همخوان /v/ به عنوان میانجی ظاهر می‌شود و واژه به صورت [deræxʃævon] نمود پیدا می‌کند.
۸۵	کجا	[kodʒa]	به ۸ صورت مشاهده شده است: [koja]، [kija]، [kodʒa]، [ka] و [kæm dʒa]، [kuwa]، [gijæ]، [kuja] در Sh9 و M27 از [kodʒa] استفاده می‌شود. با تبدیل همخوان /dʒ/ به /j/، [koja] حاصل می‌شود که در H4، H7، H8، H14، H16 و H20 مشاهده می‌شود. با تبدیل واکه /o/ به واکه /i/ و واکه /u/ [kija] و [kuja] به دست می‌آیند.

صورت‌های تلفظی و پراکندگی کاربردی	تلفظ فارسی	واژه	ردیف
[kija] رایج‌ترین واژه در این مناطق می‌باشد و در ۴۵ منطقه مشاهده می‌شود. [kuja] در H19، [kuwa] در M3، [kæm dʒa] در Sh5 و M6، /ka/ در H1 و M25 و [gijæ] در M24 به کار می‌روند.			
به ۶ صورت مشاهده شده‌است. در اکثر مناطق (۳۸ منطقه) حذف همخوان /n/ و کشش واکه /i/ (کشش جبرانی) مشهود است. در M5، H12، M2، M13 و M21 از [ʔi: hæ] استفاده می‌شود. /je/ در Sh4، H4، H5، H7، H10، H14، H15، H16، H19، M24، H20، M12، M16 و [je hæ] در Sh4 مشاهده می‌شود. در Sh6 از [ʔi: hæ:n] و در M19 از [hemi] استفاده می‌شود.	[ʔin]	این	۸۶
به ۶ صورت مشاهده شده‌است. رایج‌ترین واژه‌های به کار رفته [ʔon] و [ʔun] می‌باشند. در اکثر مناطق (۴۳ منطقه)، [ʔon] با تبدیل واکه آغازین از /a/ به /o/ مشاهده می‌گردد. [ʔun] با تبدیل واکه /a/ به واکه /u/ حاصل می‌شود و در H3، H6، H8، H9، Sh2، H10، Sh6، H14، H16، M19، H19 و H22 از [ʔun] استفاده می‌شود. در M24 از [ʔæn] استفاده می‌شود که از تحت فرآیند کوتاه‌شدگی واکه /a/ به /æ/ تبدیل می‌شود. [ʔoho] در M5، [ʔu hæ] در H12 و [ʔu ha] در H13 مشاهده شده‌است.	[ʔan]	آن	۸۷

## ۶. بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف توصیف و بررسی گوناگونی‌های واژگانی و آوایی گویش‌های جزیره قشم انجام شد. در این پژوهش، بخش واژگانی و آوایی گویش‌های ۶۰ شهر و روستای جزیره قشم مورد بررسی قرار گرفت. روش تحقیق در پژوهش حاضر، ترکیبی از روش‌های میدانی و توصیفی بود و مواد زبانی با روش گردآوری هدایت‌شده، جمع‌آوری شدند. پرسش‌نامه مورد استفاده بر اساس طرح ملی اطلس زبانی ایران بود که شامل ۱۰۵ واژه و عبارت و ۳۶ جمله است (در این پژوهش، تنها از بخش واژه‌ها استفاده شد).

فرایندهای آوایی قلب، همگونی، ناهمگونی، ابدال، اضافه و حذف در این گویش‌ها به فراوانی رخ می‌دهد. معادل‌های به‌کاررفته برای هر کدام از واژه‌ها، گوناگونی و فراوانی قابل توجهی دارند؛ به‌گونه‌ای که تعدادی از آنها حتی تا ۱۰ گونه کاربردی دارند که برخی، واژه‌های متفاوت و برخی نیز حاصل فرایندهای آوایی هستند. از مجموع ۸۷ واژه مورد بررسی، ۳۵ واژه معادل‌هایی متفاوت از فارسی معیار دارند. این موضوع بدین معنی است که گویش‌های جزیره قشم تأثیر کمی از فارسی معیار پذیرفته‌اند. در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که گویش‌های این جزیره تا حد زیادی اصالت خود را حفظ نموده‌اند؛ این موضوع را می‌توان به وضعیت جغرافیایی این منطقه و جزیره بودن آن نسبت داد. از آنجایی که زبان‌های بومی در درجه نخست بیشترین تأثیرپذیری را از زبان معیار دارند، می‌توان چنین حدس زد که حوزه‌های صرفی و نحوی گویش‌های این جزیره، به مراتب کمتر تحت تأثیر زبان فارسی قرار گرفته‌اند. البته اثبات این امر با پژوهش‌هایی جداگانه امکان‌پذیر خواهد بود.

### کتاب‌نامه

- احمدنیا، مهدی (۱۳۹۰). *پژوهشی در گویش قشمی*، همایش ملی قشم و چشم‌انداز آینده. افشارسیستانی، ایرج (۱۳۷۸). *پژوهش در نام شهرهای ایران*، تهران: روزنه.
- الیاسی، محمود (۱۳۶۹). *بررسی گسترش جغرافیایی و ترسیم اطلس زبانی ۱۰۰ صورت زبانی در حدفاصل تربت‌جام و شهر مشهد*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- بصیرت، وحید. رضاقلی فامیان، علی (۱۳۹۰). "به سوی طراحی اطلس زبانی گویش گیلکی"، *ادب‌پژوهی*، شماره ۱۷.
- پرمون، یداله (۱۳۸۵). *طرح ملی اطلس زبانی ایران*، کتابچه جامع تدوین اطلس، پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری، پژوهشکده‌ی زبان‌شناسی، کتیبه‌ها و متون.
- پهلوان‌نژاد، محمدرضا و شاهرودی، مهناز (۱۳۹۱). *بررسی و توصیف ساخت آوایی در گویش علی‌میرزایی سرخس*، زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، شماره ۶، صص ۶۵-۵۱.
- حسینی، فاطمه (۱۳۸۹). *اطلس گویش‌شناختی منطقه بیضاء*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم و تحقیقات فارس.
- حشمتی رضوی، نرگس (۱۳۸۹). *بررسی گونه‌های زبانی و ترسیم اطلس ۱۰۰ صورت زبانی شهرستان سمنان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم و تحقیقات فارس.
- حق‌شناس، علی محمد (۱۳۸۳). *آواشناسی*، تهران: آگاه.
- دژگانی، فاطمه (۱۳۸۷). *قشم‌نگینی بر خلیج فارس*، تهران: سیروان.
- دیهیم، گیتی (۱۳۸۸). *اطلس گویش‌شناختی قصران داخل*، تهران: سروش.
- رحیمیان، جلال. رزمجو، آیت‌الله (۱۳۸۹). *مبانی زبان‌شناسی ۱*، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.



رضاقلی فامیان، علی (۱۳۸۹). *تهیه اطلس زبان ترکی آذری در استان آذربایجان شرقی بر مبنای ۱۰۰ واژه پایه*، طرح پژوهشی دانشگاه پیام‌نور استان آذربایجان شرقی.  
 سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح (۱۳۸۳). *فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های استان هرمزگان: شهرستان قشم*، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.  
 سامارین، ویلیام (۱۳۸۷). *زبان‌شناسی عملی: راهنمای بررسی گویش‌ها*، ترجمه لطیف عیاری. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

سایبانی، احمد (۱۳۷۷). *از بندر جرون تا بندرعباس*، بندرعباس: چی‌چی‌کا.  
 صفی‌نژاد، جواد (۱۳۸۱). *پهنه جهان: تلخیص و بازنویسی کتاب حدود العالم من المشرق الی المغرب اثر نویسنده‌ای ناشناخته*، تهران: مؤسسه فرهنگی اهل قلم.  
 طولی، فاروق (۱۳۹۰). *قشم گوهر خلیج فارس*، قم: مؤسسه انتشاراتی استاد مطهری.  
 عباسی دمشهری، رحمت‌الله (۱۳۸۷). *بررسی زبان‌شناختی گویش مینابی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان.  
 عرب ندوی زرنودی، مهنوش (۱۳۹۰). *فرهنگ تطبیقی لغات*، تهران: حامی.  
 علی‌نژاد، بتول و رحیمی، مسلم (۱۳۹۰). *برخی از فرآیندهای واجی در گویش قشمی*، همایش ملی قشم و چشم‌انداز آینده.

کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه و رزم‌دیده، پریا (۱۳۹۲). *برخی فرآیندهای واجی در ۱۵ گونه زبانی استان کرمان/ ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین*، دوره ۳، شماره ۱، صص ۱۶۴-۱۳۹.  
 محبی بهمنی، حسن (۱۳۸۴). *بررسی و توصیف زبان‌شناختی گویش مینابی*، تهران: سبزان.  
 محمودیان، علی‌اکبر (۱۳۸۱). *اطلس شهرستان شمیران*، تهران: بنیاد دانش‌نامه بزرگ فارسی.  
 مدرسی، یحیی (۱۳۸۷). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مشکوه‌الدینی، مهدی (۱۳۷۷). *ساخت آوایی زبان فارسی*، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.  
 مشهدی‌مقدم، راضیه (۱۳۸۶). *اطلس زبانی شهرستان درگز*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.

ملائتی قاسمی، مسعود (۱۳۷۴). *بررسی گسترش جغرافیایی و ترسیم اطلس زبانی ۱۲۰ صورت زبانی در ۲۲ ناحیه از بخش پشت‌آب سیستان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.  
 نوربخش، حسین (۱۳۶۹). *جزیره قشم و خلیج فارس*، تهران: امیرکبیر.

Anonby, E. (2015). "The keshmi (QESHMI) dialect of hormozgan province, Iran: a first account." *Studia Iranica*. Paris, 44, pp.165-206.

Anonby, E. (2015). *A grammar of Kumzari*. Doctoral Thesis, Leiden University Centre for Linguistics (LUCL), Humanities, Leiden University.

---

Barbera, G. (2013). *Adaptive Multilinguals, A Survey of Language on Larak Island* (Studia Iranica Upsaliensia, 16.).

Grachev, M. S. (2017). *Morphology of the verb in the dialect of Kashmi of southern Iran*. University Scientific Journal. 34. pp. 207-215.